

«رسالت و جایگاه مسجد در تمدن اسلامی»

مدنیت در اسلام، همزادی با مسجد دارد؛ چنانچه نخستین برنامه و اقدام نبی معظم اسلام(ص) در ورود به دروازه یترب، همانا بنیان‌گذاری مسجد بوده است.



مدنیت در اسلام، همزادی با مسجد دارد؛ چنانچه نخستین برنامه و اقدام نبی معظم اسلام(ص) در ورود به دروازه یترب، همانا بنیان‌گذاری مسجد بوده است.

یه گزارش خبرنگار مهر، یادداشتی درباره مسجد و تمدن اسلامی به قلم حسن رهبری؛ محقق و نویسنده علوم و معارف اسلامی در پی می‌آید؛

مدنیت در اسلام، همزادی با مسجد دارد؛ چنانچه نخستین برنامه و اقدام نبی معظم اسلام(ص) در ورود به دروازه یترب، همانا بنیان‌گذاری مسجد بوده است و در ادامه، تغییر نام یترب به مدینه!

چنین اقدامی گویای اهمیت و ضرورتی است که اسلام به بنای مسجد می‌دهد و انعکاس مدنیتی استوار و خدایسندانه را از رهگذر مسجد می‌داند.

مسجد، یعنی: سرای کرنش و بندگی برای خداوند یکتای بی‌مثال، آن‌گونه که او را سزاوار است. پیامد سزاواری‌های بندگی به خداوند را می‌توان در فطرت خودشناسی و کمال‌خواهی انسانی خلاصه کرد؛ اما این فطرت انسانی، گنجینه‌ای است مدفون در خراب‌آباد وجود انسانی؛ که جز با ندای منادیان خدایی، دست‌نایافتنی است!

فطرت خواب رفته انسانی با بعثت‌ها بیدار و با هجرت‌های به سوی مدائن / مدینه‌ها پویا و ماندگار می‌گردد. از این رو، فرهنگ اسلامی در «مدینه» و مدینه در «مسجد» تجلی پیدا می‌کند و مسجد، خاستگاه اصلی تمدن و فرهنگ اسلامی را تشکیل می‌دهد.

بدیهی است که مدنیت، همواره با مناسبات انسانی و همگرایی و هم‌اندیشی‌های اجتماعی تعریف می‌شود و آن را سازمان و تشکیلاتی مقدّر است تا ایده‌ها را سازمان‌دهی و اجرایی نماید. مسجد در اسلام، دقیقاً چنین نقشی را ایفا می‌نماید.

از این رو، مسجد، سرای همگانی است نه صرفاً فردی؛ برای اجتماع فردهاست نه فردگرایی‌ها! تا آنچه در قاموس اسلام، از آن به «عبادت جمعی» یاد می‌شود، در آن عملی گردد. عبادت در اسلام، تنها در نماز خلاصه نمی‌شود؛ بلکه دامنه تعریف آن، در هر آنچه رضای خداوندی بر آن تعلق می‌گیرد، توسعه پیدا می‌کند. بر خلاف کسانی که نماز را یک عبادت فردی می‌دانند، باید گفت که: اصل تشریع نماز در اسلام به جماعت است و فردی رخصت؛ یعنی نماز یک عبادت اجتماعی و برترین و بزرگ‌ترین عبادات اجتماعی است؛ زیرا که باید به جماعت برگزار شود؛ مگر آنجا که عذری قابل قبول در میان آید!

پس مسجد، سرای عبادت همگانی است و هر کاری که برای جماعت و آنچه در شأن جماعت و جامعه است در آن شایسته و روا می‌باشد؛ مگر اینکه منعی در ست رسیدن باشد.

بر اساس همین گستردگی مفهوم عبادت در اسلام است که مسجد نبوی (ص) برای کارکردی چندگانه اختصاص می‌یابد، و سنت بهره برداری چندمنظوره را بنیان می‌گذارد.

از آنجایی که بقا و دوام فرهنگ دینی جوامع، علاوه بر بستگی آن به وجود قوانین متقن و وحیانی، همواره مستلزم وجود کانون فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و مجتمع‌های تشکیلاتی بوده است، اسلام نیز در راستای شکل‌بندی بر چنین ستادی که مبتنی بر مرامنامه الهی و توحیدی باشد، «مسجد» را پایه‌گذاری می‌نماید؛ بطوری که ما در طول تاریخ اسلام، شاهد فعالیت‌ها و تأثیرگذاری آن در تربیت انسان‌های شایسته و متقی و نقش آفرینی آن در جنبش‌ها و حرکت‌های اسلامی در ابعاد سیاسی و اجتماعی و اقتصادی بوده‌ایم و خواهیم بود.

حافظه تاریخ صدر اسلام، عمده فعالیت‌ها و اموری که در مسجد - علاوه بر برگزاری جمعه و جماعات انجام می‌گرفت، موارد فراوانی را یادداشت کرده است که ذکر همه آنها با کلیات تاریخ اسلام برابری خواهد کرد؛ زیرا که مسجد عمده‌ترین حلقه اتصال

کاربری مسجد در این خصوص بقدری عام و گسترده بود که اگر در جملاتی جمع‌بندی کنیم، اینگونه باید گفته شود:

«مسجد: کانون تبلیغات دینی، رسانه ملی، مرکز مشاوره، «کانون اجتماعات عمومی، رفاندوم، انتخابات، بیعت، نظرآزمایی درباره جنگ، خطرات اجتماعی، مسائل سیاسی، شکایت و اعتراض مردم، پارلمان آزاد مردم»، خزانه کشور، پناهگاه مردم در حوادث غیر مترقبه، مرکز آموزش‌های دینی و علمی و نظامی، کتابخانه، بیمارستان، داروخانه، اسلحه‌خانه، اردوگاه اسرا، خوابگاه مستمندان، آسایشگاه سربازان، انبار غنائم جنگی، دفتر روابط خارجی، محل ملاقات با نمایندگان امپراتوران و بزرگ‌ترین کشورهای جهان، و ...

«سر توماس ارنولد» می‌گوید: «مسجد فقط محل عبادت نبود بلکه مرکز زندگی سیاسی و اجتماعی نیز بود، پیغمبر، فرستادگان را در مسجد می‌پذیرفت و در آنجا به کارها رسیدگی می‌کرد و برای مسلمانان درباره سیاست و دین سخن می‌گفت: ... وقتی خلیفه انتخاب می‌شد نخستین خطابه خود را که به منزله برنامه سیاسی او بود، از منبر می‌خواند؛ بنا بر این منبر در اسلام مانند تریبونی بود که در حکومت مشروطه، برنامه سیاسی دولت از پشت آن شرح داده می‌شود ...»

«دکتر گوستاوبون» فرانسوی نیز در کتاب «تمدن اسلام و عرب» می‌نویسد: «مهمترین مرکز زندگی واقعی برای اعراب مسجد است؛ زیرا اعراب مسجد را مرکز اجتماع، عبادت و تعلیم و تربیت و گاهی مسکن خویش قرار می‌دهند و چنان نیست که مانند کلیساهای نصاری فقط مرکز عبادت باشد.

عموماً در اطراف مساجد، حمام، مسافرخانه، اصطبل، بیمارستان، مدرسه و غیره بنا کرده‌اند و از همین جا می‌توان توأم بودن زندگی اجتماعی مسلمانان را با زندگی دینی آنان به دست آورد ...»

بدیهی است، در گشت و گذار زمانه، به دلیل توسعه شهرها، ازدیاد جمعیت و تغییرات به وجود آمده در ساختار مدیریتی شهری و نظام اداری نوین کشورها، دیگر از نقش فراگیر اداره امور از طریق مساجد، خبری نیست و فضاهای اداری جداگانه و چه بسا سر به فلک کشیده‌ای، برای رتق و فتق امور در نظر گرفته شده است و مسجد امروزی، فعالیت خود را بیشتر در جمعه و جماعات و برگزاری برخی مراسم مذهبی بسنده کرده است.

تردیدی نیست که چنین کاری از ضرورت‌های اجتماعی بوده است که در کشورهای اسلامی صورت گرفته است و از دیدگاه اسلامی منعی بدان دیده نمی‌شود؛ اما باید توجه داشت که تا آن‌گاه که نظام اداری کشورهای اسلامی با محوریت اندیشه ناب مسجدی و فرهنگ ناب مسجدی مدیریت می‌شود، جدایی محیط اداری و کاری از فضای مسجد، آفتی به شمار نمی‌رود. آفت آن‌گاه بروز می‌کند که روند نظام اداری کشورهای اسلامی، عملکردی جدای از اندیشه و آموزه‌های مسجدی را در سرلوحه برنامه‌های مدیریتی و اجرایی خود داشته باشند؛ آن‌گاه دگر نه از تاک، نشان ماند و نه از تاک‌نشان!

- بنگرید به: تفسیر پرتوی از قرآن، ۱، ۳۱.

- فلسفه تعلیم و تربیت، دکتر شریعتی، ۲۶.

- تاریخ سیاسی اسلام، ۴۵۰.

- تمدن اسلام و عرب، ۵۳۱.